

خرمای گرس

www.ketab.ir



زکریا تامر

جمعه‌ی دکتر محمد حسن حسن زاده نیری. دکتر عماد خلف. دکتر آزاده اسلامی.

سرشناسه	:	تامر، زکریا، ۱۹۳۱ - م. Tamir, Zakariya
عنوان و نام پدیدآور	:	خرمای گس / گزیده داستان‌های زکریا تامر؛ مترجمان محمدحسن حسن‌زاده‌نیری، عماد خلف، آزاده اسلامی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات پایا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۸ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	:	978-964-6748-93-4
وضعیت فهرست نویسی:	:	فیفا
شناسه افزوده	:	حسن‌زاده‌نیری، محمدحسن، ۱۳۳۴ -، مترجم
شناسه افزوده	:	خلف، عماد، ۱۳۵۸ -، مترجم
شناسه افزوده	:	اسلامی، آزاده، ۱۳۵۷ -، مترجم
رده بندی کنگره	:	PJA۴۸۵۲
رده بندی دیویی	:	۸۹۲/۷۳۶
شماره کتابشناسی ملی:	:	۸۶۵۴۳۵۶



انتشارات پایا

خرمای گس

گزیده داستان‌های زکریا تامر

مترجمان: دکتر محمدحسن حسن‌زاده‌نیری، دکتر عماد خلف، دکتر آزاده اسلامی



چاپ نخست، ۱۴۰۰
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: ناژو

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان جویبار، کوچه نور بخش، پلاک ۳۲ www.nashrepaya.ir
تلفن: ۸۸۹۳۰۰۴۸ - ۸۸۹۳۰۰۴۶

حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

فهرست

۵	 مقدمه مترجمان
۷	 رعد
۹	 گنجشک ها
۱۱	 دزد دریایی
۲۱	 پلنگ ها در روز دهم
۲۷	 بازها
۳۱	 پادشاه
۳۵	 جوم
۴۵	 چنگیز خان
۴۹	 بهاری در دل خاکستر
۵۵	 ریش ها
۵۹	 کوچ دود
۶۳	 شکار
۶۵	 شهری که در خواب بود
۷۳	 شیشه ی اسب سفید
۸۱	 ماجرای محمد محمودی
۸۵	 متهم
۸۹	 مردی از دمشق
۱۱۱	 یوسف زیبای کوچولو

مقدمه مترجمان

زکریا تامر در سال ۱۹۳۱ در خانواده فقیری در دمشق به دنیا آمد. شش کلاس ابتدایی را خواند و بعد از آن درس و کتاب و مدرسه را رها کرد و دوازده سال در کارگاه قفل سازی، سخت کار کرد. در میان براده های آهن و سنگ و فولاد، آنقدر کتاب خواند و در کوچه باغ خیال و قلم پر سه زد تا یکی از مردان تأثیرگذار عرب در جهان داستان شد و داستان هایش به بیش از بیست زبان دنیا سفر کردند. اولین مجموعه داستان تامر به نام «شبهه اسب سفید» در سال ۱۳۶۰ چاپ شد. داستان های تامر نمادین هستند و در زیر پوست خود جهانی معنا را حمل می کنند.

داستان های تامر دنیای دیگریست، پر از آدم هایی که اگر نبودند، دنیا جای بهتری بود. آدم های عجیبی که باینکه کارهایشان خواننده را بهت زده می کند اما انگار مال همینجا و همین حالا و همین کوچه و خیابان های خودمان هستند. آدم هایی که نگاه تیز تامر آنها را تا پوست و استخوان عریان کرده است و حالا دمل ها و زخم هایشان پیداست و بوی چرک هایشان لای سطرها نشسته کرده است. نمی شود قصه آدم های تامر را خواند و خوابید. آدم های تامر جیغ می کشند، عربده می کشند، مدام سرفه می کنند و نمی گذارند خواننده وقتی توی تختش دراز کشیده است و زیر نور زرد چراغ قصه های آنها را می خواند، خوابش ببرد. داستان های تامر زمختند و هموار، سهلند و ممتنع، حیرت انگیزند و ملموس، ساده اند و پیچیده و گاهی بدون هیچ آرایه و استعاره ای، خودشان شعر و استعاره اند.